



## واکاوی مفهوم سرمایه روان‌شناختی در پرتو نهج البلاغه (تطابق، تمایز و رهنمودها)

عادل زاهد بابلان<sup>۱</sup>، سید محمد سیدکالن<sup>۲\*</sup> و حسن احمدی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۲۳

### چکیده

به لحاظ اهمیت سرمایه روان‌شناختی در زندگی فردی و سازمانی انسان‌ها، با بهره‌گیری از گنجینه گهربار نهج البلاغه و کلام حضرت علی(ع)، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به واکاوی نظریه سرمایه روان‌شناختی و ابعاد آن (خودکارآمدی، امید، خوش‌بینی، تاب‌آوری)، پرداخته شد که حاصل آن، استنباط از نهج البلاغه به لحاظ تطابق و تفاوت مفهومی مؤلفه‌ها بوده است که در نهایت به ارائه رهنمودهای نظری در خصوص این نظریه منجر شده است. یافته‌ها بر این مبنا نهاده شد که مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی علاوه بر برخی تطابق‌ها، به لحاظ مفهومی در بیشتر موارد تمایز اساسی دارد؛ به طوری که بیشتر تمایزات به لحاظ فلسفه زیستی و فکری مسلمانان با کشورهای غیرمسلمان‌ها بوده است که بر مبنای کلام امیرمؤمنان علی(ع) این نظریه پس از واکاوی با اضافه شدن مؤلفه معنویت به نظریه فوق، تحت مدلی به رهنمودهای عملی منجر شد که در پژوهش‌های قبلی بدان پرداخته نشده بود.

**کلیدواژه‌ها:** امام علی(ع)، سرمایه روان‌شناختی، خودکارآمدی، امید، خوش‌بینی، تاب‌آوری.

۱. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه محقق اردبیلی

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه محقق اردبیلی

۳. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه محقق اردبیلی

\*: نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

هدف روان‌شناسی مثبت این است که تغییر در روان‌شناسی به وجود آورد و از توجه صرف به ترمیم بدترین چیزها، به سوی ساختن بهترین کیفیت‌ها در زندگی حرکت کند (اسنایدر و لویز، ۱۳۹۰: ۱). چراکه در دهه اخیر نیز، روان‌شناسان مثبت‌گرا بر این باورند که هدف روان‌شناسی باید بهبود و ارتقای سطح زندگی انسان و شکوفا کردن استعدادها و توانمندی‌های به ودیعه نهاده‌شده در درون انسان باشد. بر این اساس، روان‌شناسان مثبت‌گرا به جنبه‌های مثبت روانی انسان، نظیر مثبت‌اندیشی، خوش‌بینی، شادکامی و مانند آن پرداخته و سعی دارند تا با روش‌ها و نگاه علمی، حضور مؤلفه‌های مثبت را در ابعاد گوناگون زندگی انسان پررنگ‌تر و چشم‌گیرتر جلوه دهند (سلیگمن، رابویچ، کاکس و گیلهام، ۱۳۸۳، به نقل از حسنی، احمدی و میردریکوندی، ۱۳۹۰: ۷۶)؛ بنابراین، یکی از مباحثی که امروزه در عرصه علم مدیریت بیشتر مطرح شده است سرمایه روان‌شناختی<sup>۱</sup> بوده است؛ که توسط لوتانز<sup>۲</sup> (۲۰۰۴) به عنوان ریشه دیگر سرمایه‌ها (سرمایه اجتماعی، سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی و مالی) در نظر گرفته شد.

قبل از مطرح‌شدن این نظریه، دیدگاه جنگ استعدادها تا حدودی در دنیای رقابتی سازمان‌ها سایه افکنده بود و سازمان‌ها برای عده‌ای از منابع انسانی مستعد، به‌ویژه در حوزه‌های شناخته‌شده که دارای اطلاعات قابل‌دسترس و آماده بود به رقابت می‌پرداختند (ویلکینسون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵: ۲۲). این دیدگاه، فضای نامطمئنی را برای سازمان‌ها ایجاد کرده بود؛ به طوری که اعلان جنگ برای استعداد دارای یک نتیجه جانبی نیز بود و آن توجه عمده به ساختارهای منفی‌گرایانه مانند کار احساسی<sup>۴</sup>، استرس، فرسودگی شغلی، کشمکش و ترک روابط بوده است؛ اما جنبه‌های مثبت ساختارهای رفتار سازمانی مرسوم مانند؛ اعتمادبه‌نفس، پشتکار، تعیین هدف، حالت عاطفی مثبت، رفتار شهروندی، رفتار اجتماعی مطلوب، توانمندسازی، تعامل و مشارکت پیامد مطرح‌شدن سرمایه روان‌شناختی بود (لوتانز، ۲۰۰۵: ۲۲۸). اگرچه، دیدگاه مرسوم مدیریت استعداد برای سازمان‌ها لازم می‌باشد اما کافی نبوده است. برای همین، نیاز به یک نظریه جدید احساس شد تا در جهت رفع موانع دیدگاه مدیریت استعداد، فضای مطمئنی را برای سازمان‌ها ایجاد کند و آن تحت نظریه لوتانز در قالب سرمایه روان‌شناختی به‌عنوان نظریه رفتار سازمانی مثبت‌گرا در عصر حاضر بوده است.

## ۱-۱. بیان مسئله

در ایران، نظریه سرمایه روان‌شناختی ادبیات بسیار محدودی داشته است که بیشتر در سال‌های اخیر رایج شده است. با وجود نگرش پارادایمی به این سازه، باید گفت که این نظریه، ایده‌ای فراتر از صفات شخصیتی و سرمایه‌های سنتی سازمان (سرمایه مادی، انسانی و اجتماعی) است و به زعم نظریه‌پردازان و

1. Psychological Capital
2. Luthans
3. Wilkinson
4. Emotional labor

محققان، مبنای نوینی جهت خلق مزیت رقابتی در سازمان‌های امروزی محسوب می‌گردد (زارعی‌متین، ۱۳۹۳: ۴۸۶؛ سیماراصل و فیاضی، ۱۳۸۷: ۴۴)، به طوری که حتی تضمین‌کننده کیفیت زندگی درون‌سازمانی و شغلی کارکنان به حساب می‌آید (اسماعیلی شاد، نیاز آذری، صالحی و عنایتی، ۱۳۹۲: ۴). در کل، باید گفت سرمایه روان‌شناختی با توجه به ادبیات موجود در پژوهش‌های مختلف، یک حالت قابل توسعه و مثبت روان‌شناختی با مشخصه‌های زیر بوده است:

(۱) **خودکارآمدی**<sup>۱</sup>: متعهد شدن و انجام تلاش لازم برای موفقیت در کارها و وظایف چالش‌برانگیز؛

(۲) **خوش‌بینی**<sup>۲</sup>: داشتن اسناد مثبت درباره موفقیت‌های حال و آینده؛

(۳) **امید**<sup>۳</sup>: پایداری در راه هدف و در صورت لزوم تغییر مسیر رسیدن به هدف برای دستیابی به موفقیت؛

(۴) **تاب‌آوری**<sup>۴</sup> / **انعطاف‌پذیری**: پایداری هنگام مواجهه با سختی‌ها و مشکلات برای دستیابی به موفقیت (لورنز، بیر، پوتر و هینیتز<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶: لونی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵؛ لوتانز، لوتانز و لوتانز، ۲۰۰۴).

باید گفت که جهت‌گیری هر یک از ابعاد با توجه به هم‌پوشی آن‌ها، متفاوت بوده است به طوری که خودکارآمدی جهت‌گیری تمرکز از حال به آینده دارد، امید و خوش‌بینی با جهت‌گیری تمرکز بر آینده فرض شده است و تاب‌آوری، تمرکز اصلی‌اش از گذشته به حال بوده است (لوتانز، ۱۳۹۱: ۵۸). برخلاف این جهت‌گیری کلی، باید گفت وجوه مشترکی بین خودکارآمدی، امید، خوش‌بینی و تاب‌آوری نیز وجود دارد. خودکارآمدی و تاب‌آوری، دارای جزئی هستند که باعث می‌شود پایداری فرد را در رویارویی با موانع افزایش دهد؛ یعنی فرد خودکارآمد و تاب‌آور هنگام مواجهه با موانع به تلاش خود ادامه می‌دهد (آوی، لوتانز و یوسف<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰: ۴۸). امید و تاب‌آوری نیز در برخی جهات باهم وجه‌اشتراک دارند (لوتانز و یوسف، ۲۰۰۴: ۱۴۵). افراد امیدوار با داشتن ویژگی‌های عاملیت (انرژی معطوف به هدف) و مسیر (برنامه‌ریزی جهت دستیابی به هدف)، انگیزه و توانایی بیشتری برای چیره‌شدن بر مشکلات خواهند داشت، بنابراین تاب‌آور نیز خواهند بود (لوتانز، واگلیسنگ و لستر<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶: ۳۰)؛ بنابراین، با توجه به وجه اشتراک‌ها باید گفت افراد خودکارآمد قادر هستند امیدواری، خوش‌بینی و تاب‌آوری خود را در وظایف خاص در حوزه‌های خاص زندگی‌شان به کار گیرند.

نتایج پژوهش‌ها (از جمله: بهادری خسروشاهی، هاشمی‌نصرت‌آباد و باباپور خیرالدین، ۱۳۹۱؛ اسماعیلی شاد و همکاران، ۱۳۹۲؛ سیماراصل و فیاضی، ۱۳۸۷؛ لوتانز و همکاران، ۲۰۰۴، ۲۰۰۶، ۲۰۱۰؛ هودج<sup>۹</sup>،

1. Self-efficacy
2. Optimism
3. Hope
4. Resilienc
5. Lorenz, Beer, Pütz & Heinitz
6. Levene
7. Avey, Luthans & Youssef
8. Luthans, Vogelgesang & Lester
9. Hodges

۲۰۱۰) حاکی از آن است که چهار مؤلفه امید، خوش‌بینی، انعطاف‌پذیری و خودکارآمدی با یکدیگر هم‌بستگی بالایی دارند و تشکیل یک سازه سطح بالا را می‌دهند که محققان از آن به‌عنوان سرمایه روان‌شناختی یاد کرده‌اند. به گفته پژوهشگران، ترکیب این چهار مؤلفه باعث ایجاد هم‌افزایی می‌گردد و واریانس بیشتری از نتایج دلخواه سازمانی را به همراه دارد، چراکه سرمایه روان‌شناختی از مجموعه اجزای خودش بزرگ‌تر است (لوتانز و همکاران، ۲۰۱۰: ۴۲)؛ اما آن‌چه امروزه در محافل علمی بر مبنای روان‌شناسی مثبت‌گرا از آن بحث می‌شود و بیشتر پژوهشگران را بدین سمت‌وسو کشانده، بدون واکاوی از مفهوم سرمایه روان‌شناختی به لحاظ فرهنگ بومی - اسلامی بوده است.

بدین‌منظور، با توجه به خلأهای موجود نظریه فوق بر اساس پژوهش‌های قبلی، محققان با یک واکاوی عمیق برگرفته از فرهنگ اسلامی، بر مبنای کتاب پرمعنا و گنجینه شگفت‌انگیز نهج‌البلاغه یک مطالعه تطبیقی را انجام داده‌اند؛ بنابراین سؤالی که در این پژوهش مطرح می‌گردد این است: سرمایه روان‌شناختی با مؤلفه‌های فوق‌الذکر تا چه اندازه بر اساس محتوای نهج‌البلاغه تطابق دارد و همچنین چگونه می‌توان این نظریه روان‌شناختی را بر اساس این کتاب پرمحتوا توسعه و تمایز بخشید و تحت آن، به رهنمودهای اساسی در توسعه این نظریه گام برداشت؟

## ۱-۲. پیشینه پژوهش

در بررسی پژوهش‌های مرتبط با پژوهش حاضر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: دانایی‌فرد، بنافی و امامی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای از فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی به واکاوی نقادانه مفهوم سرمایه روان‌شناختی: به سوی بسترسازی الگوی هنجاری بومی - اسلامی اذعان کرده‌اند که میان صاحب‌نظران این حیطه، اجماع کاملی وجود ندارد و نوعی پراکندگی در برداشت از مفهوم آن مشاهده می‌شود. آن‌ها، با لحاظ نکات زمینه‌ای و فرهنگی و با استمداد از آموزه‌های بومی - اسلامی، به جای سازه متعارف سرمایه روان‌شناختی، چارچوبی اولیه معرفی کرده‌اند که به نظرشان می‌بایست زمینه‌ساز پژوهش‌های آتی سرمایه روان‌شناختی در کشور باشد.

اسماعیلی‌شاد و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای از فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی با عنوان «بررسی مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی با رویکرد معنوی از نظر اعضای هیأت علمی جهت استقرار دانشگاه اسلامی»، ابعاد خودکارآمدی، تاب‌آوری، امید، خوش‌بینی و هوش معنوی را با زیرمؤلفه‌هایی شناسایی و اولویت‌بندی نمودند.

صادقی‌نیری و الهیاری‌نژاد (۱۳۹۲) هم در مقاله‌ای از فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه با بررسی «مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی در نهج‌البلاغه» مؤلفه‌های خوش‌بینی را توجه انتخابی، تفسیر منطقی رویدادها و انتظار مثبت معرفی کرده و آثار آن را مورد توجه قرار داده‌اند.

قائمی، یزدان‌بخش و امیریان (۱۳۹۲) نیز در شماره اول فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه تحت مقاله‌ای به مطالعه‌ای عوامل ناامیدی و راهبردهای انگیزشی نهج‌البلاغه در درمان آن‌ها پرداخته‌اند. آنها مهم‌ترین

راه‌کارها و شیوه‌های امام علی(ع) را در برانگیختن هیجان‌های مثبت مردم برای درمان ناامیدی، صبر، توکل به خدا، نماز و نیایش و خوش‌بینی برشمرده‌اند و پیامدهای ناامیدی را خطرناک و غیرقابل‌جبران دانسته‌اند.

همچنین نوری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای از نشریه معرفت تحت عنوان «الگوی نوین از مؤلفه‌های خوش‌بینی از منظر نهج‌البلاغه» بر این باور است که اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه بر خوش‌بینی از سه مؤلفه تشکیل شده است: «توجه انتخابی»، شامل توجه مثبت به ویژگی‌های خداوند، زیبایی‌های جهان، ویژگی‌ها و رفتار مثبت افراد، افکار و گفتار مثبت، امکانات و نعمت‌های خداوند، نقاط مثبت خود و توجه بیشتر به نتایج کارها تا مشکلات آن است. «تفسیر منطقی»، به: امتحان دانستن سختی‌ها و مشکلات، موقتی دانستن رویدادهای مثبت و منفی، نقش خدا، خود و دیگران در وقوع رویدادها اشاره دارد. «انتظار مثبت» نیز نشان می‌دهد فرد خوش‌بین، به انتظار کمک از خداوند، انتظار وقوع رویدادهای خوشایند و انتظار عملکرد درست از سوی دیگران باور دارد.

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

مطالعات روزافزون سرمایه‌روان‌شناختی در سال‌های اخیر و کم‌توجهی پژوهشگران به این نظریه در منابع غنی اسلامی، اهمیت واکاوی ابعاد این نظریه- به لحاظ همپوشی و تمایزات- تأثیر بسزایی در روند شکل‌گیری افق‌های جدید در عرصه‌های گوناگون را خواهد داشت. با این پژوهش، یک عرصه منحصربه‌فرد و جدید تحت پارادایم فکری رفتار سازمانی اسلامی قابل‌ارائه خواهد بود. همچنین، به لحاظ مناسبت جایگاه سخنان گهربار امیرمؤمنان علی(ع) در نهج‌البلاغه و غررالحکم، این بررسی می‌تواند اهمیت فوق‌العاده‌ای در بازکاوی سایر پارادایم‌های جدید در حوزه رفتار سازمانی ایرانی- اسلامی نیز باشد.

## ۲. بحث

### ۲-۱. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر در زمره پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی قرار دارد. شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع اسنادی است که با کاوش در نهج‌البلاغه (خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها) و مطالعه و استخراج عبارات هم‌پوش با نظریه سرمایه‌روان‌شناختی با ابعادی چون؛ خودکارآمدی/ اعتمادبه‌نفس، امید، خوش‌بینی، تاب‌آوری/ انعطاف‌پذیری و معنویت، به تحلیل تک‌تک ابعاد نظریه فوق انجامیده است. در آخر نیز، به ارائه رهنمودهایی در جهت پاسخ به عرصه‌های تعلیم‌وتربیت و توسعه نگرش و رفتار مثبت‌گرا در جهت توانمندسازی افراد سازمانی انجامیده است.

### ۲-۲. مفهوم سرمایه‌روان‌شناختی و ابعاد آن

با بررسی مطالعاتی که انجام شده است می‌توان گفت ظرفیت‌های روان‌شناختی خودکارآمدی، امید، خوش‌بینی و تاب‌آوری به بهترین حالت، معیارهای رفتار سازمانی مثبت‌گرا را توصیف نموده‌اند، علاوه بر

ابعاد ذکر شده، بر اساس برخی پژوهش‌های داخلی (برای مثال، اسماعیلی‌شاد و همکاران (۱۳۹۲) مبنی بر لحاظ هوش معنوی در سرمایه روان‌شناختی؛ صادقی‌نیری و الهیاری‌نژاد (۱۳۹۲) و نوری (۱۳۸۷) در توجه بر مؤلفه‌های مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی با لحاظ معنویت؛ و قائمی، یزدان‌بخش و امیریان (۱۳۹۲) مبنی بر درمان ناامیدی در سایه توجه بر صبر، توکل به خدا، نماز و نیایش) هر کدام سهمی از بُعد معنویت را برای سرمایه روان‌شناختی تبیین کرده‌اند؛ به طوری که این بُعد از سرمایه روان‌شناختی می‌تواند پیش‌بین مثبت و زیربنای محکمی برای سایر مؤلفه‌ها باشد اما نقش آن را جداگانه با سایر ابعاد ذکر کرده‌اند؛ بنابراین در این قسمت، نگارندگان سعی کرده‌اند که به لحاظ اهمیت پیشینه‌ای این نظریه، توضیح و تبیین درستی از این ابعاد به لحاظ معادل‌ها و همپوش‌ها و تمایزات مفهومی بر اساس نهج‌البلاغه داشته باشند که در زیر بدان اشاره خواهد شد:

بدین‌جهت، ابتدا ابعاد سرمایه روان‌شناختی از منظر واضعان و معرفی‌کنندگان (لوتانز و دیگر محققان) تعریف، سپس برابر نهاد یا همپوش آن ابعاد را بر اساس نهج‌البلاغه جستجو و در نتیجه درجه تطابق و تمایز آن سنجیده شده- تا رهنمودهای لازم از این منظر ارائه شود.

## ۲-۲-۱. خودکارآمدی

خودکارآمدی به‌عنوان اعتقاد راسخ (اطمینان) یک فرد درباره توانایی‌هایش در بسیج منابع شناختی و مسیرهای مورد نیاز برای اجرای موفقیت‌آمیز یک وظیفه خاص در یک حوزه معین، تعریف می‌شود (آرمورد، ۲۰۰۶: ۲۷۲). به‌عبارت دیگر، قضاوت شخصی در مورد توانایی‌ها، بر پایه ملاک‌های مهارتی، حس کفایت شخصی در چهارچوب خاص، خودکارآمدی می‌باشد. افراد خودکارآمد دارای پنج ویژگی استعداد حل مشکل با توجه به اهداف متعالی؛ استقبال از چالش‌ها؛ خودانگیخته؛ تلاش مستمر و داری استقامت هستند (لوتانز، ۱۳۹۱: ۸۶).

کلمه معادلی برای بُعد خودکارآمدی سرمایه روان‌شناختی با تعریف ارائه‌شده در نهج‌البلاغه یافت نشد؛ بنابراین، سعی نمودیم با استفاده از تعریف مفهومی این سازه، به دنبال مفاهیمی هم‌معنی باشیم که در نهج‌البلاغه با توجه به تعریف خودکارآمدی که «باور انسان درباره توانایی‌های خود در انجام کارها بر چگونگی عملکرد خویش مؤثر است» (باندورا، ۱۹۷۷: ۱۹۸). می‌توان باور انسان را «ایمان فرد درباره توانایی‌هایش» به کاربرد که در کلیه خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها حداقل نشانه‌ای از این کلمه می‌توان یافت. علاوه بر معادل‌سازی این سازه با مفهوم ایمان به توانایی‌های خود، می‌توان خودباوری و اعتمادبه‌نفس را همپوش با این کلمه دانست؛ چون شناخت ویژگی‌های خود، پذیرش آن‌ها و تکیه کردن به آن‌ها به معنای خودباوری است. رسیدن به خودباوری نشانه پذیرش تمام ابعاد وجودی خود، چه خوب و چه بد است و قبول داشتن توان و نیروهایی که فرد برای انجام فعالیت، رسیدن به هدفی یا هر چیزی

دیگری است. عقیده‌ای که فرد در مورد خودش دارد و طرحی که از خود در ذهن ساخته است میزان خودباوری او را منعکس می‌کند. داشتن درجات متعادلی از ویژگی‌هایی مانند: استقلال فکر و عمل، مسئولیت‌پذیری، دوری از تقلید محض و آگاهی از ویژگی‌های فردی که نشان از خودباوری خوب و مؤثر در فرد دارد.

در خطبه ۱۱۰، به ره‌آورد برخی از مبانی اعتقادی اشاره شده که ارزش ایمان (باور) انسان بدان توصیف شده است. «همانا، بهترین چیزی که انسان‌ها می‌توانند با آن به خدای سبحان نزدیک شوند، ایمان به خدا و ایمان به پیامبر(ص) و جهاد در راه خداست که جهاد قلّه بلند اسلام و یکتا دانستن خدا بر اساس فطرت انسانی است». در این خطبه جهاد در راه خدا، همان باور انسان درباره توانایی‌های خود در انجام تمامی کارهاست که عملکرد بهتر انسان یعنی رسیدن به خدا را به همراه خواهد داشت.

در حکمت ۳۱، تصریح شده که ایمان بر چهار پایه استوار شده است: صبر، یقین، عدل و جهاد. باندورا (۱۹۹۷) مطرح می‌کند که خودکارآمدی، توان‌سازنده‌ای است که بدان وسیله، مهارت‌های شناختی، اجتماعی، عاطفی و رفتاری انسان برای تحقق اهداف مختلف، به‌گونه‌ای اثربخش ساماندهی می‌شود. «افراد کاملاً می‌دانند که باید چه وظایفی را انجام دهند و مهارت‌های لازم برای انجام وظایف دارند، اما اغلب در اجرای مناسب مهارت‌ها موفق نیستند» (باندورا، ۱۹۹۷: ۷۵). به‌طور خلاصه، خودکارآمدی به داشتن مهارت یا مهارت‌ها مربوط نمی‌شود، بلکه داشتن باور به توانایی انجام کار در موقعیت‌های مختلف شغلی، اشاره دارد. باور کارآمدی عاملی مهم در نظام‌سازنده شایستگی انسان است که این باور در بین انسان‌ها متفاوت دیده می‌شود.

در خطبه ۱۸۹، ایمان را بر دو نوع تقسیم کرده است: یکی ایمانی که در دل‌ها ثابت و برقرار و دیگری در میان دل‌ها و سینه‌ها ناپایدار است. در خطبه ۳۵، امام علل شکست کوفیان را عدم‌اعتماد به نفس در سایه نداشتن باور به خداوند متعال در مقابل دشمنان می‌داند. همچنین در خطبه ۱۷۶، ضرورت اطاعت از دستورات خداوند و همچنین باور به الطاف الهی را مایه اعتماد به نفس انسان‌ها می‌داند. در این خطبه، انسان‌ها به کارها و اعمال نیک تشویق شده‌اند و ضرورت خودسازی نیز بیان شده است.

در حکمت ۲۲۷، ارکان ایمان به شناخت با قلب، اقرار با زبان و عمل با اعضاء و جوارح استوار شده است.

با توجه به تعاریف و مفهوم بالا، باید گفت که خودکارآمدی در نهج البلاغه با کلماتی چون؛ ایمان (باور) به انجام کارها و خودباوری و اعتماد به نفس (اطمینان به خود) همپوشی دارد، اما با خودشناسی منافات دارد به‌طوری که لازمه ایمان به انجام دادن کارها و توانایی انجام کارها، خودشناسی است. باید گفت که خودکارآمدی مفهومی روان‌شناختی است که در نظریه موجود، پایه را بر توانمندی غیرمعنوی نهاده است درحالی که باور و ایمان به توانایی‌های انسان در ساحت انسان توحیدمحور نقش بسته است و با آن چه که لوتانز به آن پرداخته، تمایز اساسی دارد.

مطابق نظر لوتانز، پنج ویژگی کلیدی در خصوص ظرفیت خودکارآمدی وجود دارد: ۱- خودکارآمدی در یک حوزه خاص صورت می‌گیرد. ۲- خودکارآمدی مبتنی بر تمرین و مهارت است. ۳- همیشه جایی برای توسعه خودکارآمدی وجود دارد. ۴- خودکارآمدی تحت تأثیر دیگران است. ۵- خودکارآمدی در حال تغییر (دانش، مهارت و توانایی‌ها) است (لوتانز، ۱۳۹۱: ۸۵-۸۳). همچنین، بر اساس نظریه شناختی-اجتماعی بندورا، خودکارآمدی در افراد توسط پنج فرآیند شناختی ایجاد می‌گردد که نمادسازی، آینده‌نگری، مشاهده (استفاده از تجارب دیگران)، خودتنظیمی (اهداف و انتخاب استانداردهای ویژه برای عملکرد و ارزیابی جایگاه خود نسبت به اهداف تعیین‌شده) و خودانعکاسی (تأمل در خود) (باندورا، ۱۹۹۷)؛ بنابراین، آنچه که در مدل نظریه لوتانز توصیه شده است یک اصل روان‌شناختی بر مبنای تجربه زیسته است و می‌تواند انسان را به موفقیت‌های زندگی برساند، اما بر اساس دیدگاه امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، خودکارآمدی در سایه ایمان واقعی (صبر، یقین، عدل و جهاد) متجلی می‌شود که نهایت ارزشمندی را برای انسان‌ها رقم می‌زند.

## ۲-۲-۲. امید و امیدواری

امید به عنوان یکی از ابعاد سرمایه روان‌شناختی، یک حالت انگیزشی مثبت و مبتنی بر احساس تعاملی ناشی از موفقیت است که از دو عامل عاملیت (انرژی معطوف به هدف) و مسیر (برنامه‌ریزی برای دستیابی به هدف) ایجاد می‌شود (زارعی‌متین، ۱۳۹۳: ۴۹۴). جزء اول قدرت اراده یا عامل دست‌یابی به اهداف است در حالی که عنصر مسیر بیان می‌دارد که افراد قادر هستند راه‌های جایگزین را برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود ایجاد کنند (اسنایدر، ۲۰۰۲: ۲۴۹). طبق این مفهوم‌سازی، امید هنگامی نیرومند است که هدف‌های ارزشمندی را در برگیرد و با داشتن موانع چالش‌انگیز ولی نه برطرف‌نشده، احتمال دستیابی به آن‌ها در میان‌مدت وجود داشته باشد. جایی که ما به رسیدن به هدف‌ها اطمینان داریم، امید غیرضروری است جایی که مطمئن هستیم به هدف نخواهیم رسید، در این صورت نوامید می‌شویم. طبق این مفهوم‌سازی، هیجان‌های مثبت و منفی محصول جنبی تفکر هدف‌مند امید و ناامیدی هستند (قاسمی، عابدی و باغبان، ۱۳۸۸: ۱۹).

در این باب، امام علی(ع) سخنان زیادی عرضه نموده‌اند به‌طوری که این کلمه در نهج‌البلاغه جایگاه گسترده‌ای دارد. امید، حالتی نفسانی است که در آن، انسان با اموری که هم‌اکنون وجود ندارد، ولی انتظار وجود آن‌ها را دارد؛ نوعی دل‌بستگی و تعلق خاطر پیدا می‌کند. امیدواری یک مقوله سه‌جزئی شناختی، عاطفی و حرکتی است. انسان امیدوار، انسان سرزنده، پویا، پرتحرک و شادابی است که در جهت دستیابی به امیدهای خود حرکت می‌کند. انسان با امید به این‌که تلاش او ثمربخش است، فعالیت می‌کند و اگر امید نبود انسان دست به هیچ اقدامی نمی‌زد (دهقانی‌رخ، ۱۳۹۰: ۴-۱). هم‌چنین با توجه به سخنان آن حضرت می‌توان چنین استنباط کرد که مهم‌ترین کارکرد امید در زندگی بشر، آسان شدن



سختی‌ها و تقویّت روحیات انسانی است. در غررالْحکَم کلمهٔ امید از جهت امید به خداوند بیشتر معرفی شده و هر امیدی به غیر او، ناپسند و بی‌ارزش جلوه داده شده است. برای مثال؛ (غررالْحکَم، انصاری قمی، ۱۳۸۶: ۲۴۶؛ ۲۴؛ ۲۸۸؛ ۲۵؛ ۵۲۸؛ ۳۴؛ ۱۳۵۹؛ ۶۷؛ ۱۸۴۵؛ ۱۰۰؛ ۱۸۵۳؛ ۱۰۱؛ ۱۹۳۸؛ ۱۰۹؛ ۲۱۳۷؛ ۱۲۸؛ ۲۳۴۹؛ ۱۴۴؛ ۲۴۱۱؛ ۱۵۰؛ ۲۵۱۲؛ ۱۶۲؛ ۲۵۲۲؛ ۱۶۴؛ ۲۶۹۶؛ ۱۸۲؛ ۳۳۳۹؛ ۲۳۸؛ ۳۷۳۸؛ ۲۹۰؛ ۳۷۸۶؛ ۲۹۹؛ ۳۹۱۳؛ ۳۱۵ و همین‌طور ۴۷ باب دیگر).

اما در کل باید گفت مجموعه سخنان حضرت در باب امید و امیدواری در غررالْحکَم این است که حضرت جزء امید به درگاه حضرت حق، هیچ امید و امیدواری را (به غیر خدا) در خور توجه و شایسته انسان نمی‌داند و در صورت امید داشتن انسان به غیرخدا، آن را چیزی عَبَث ذکر کرده که جز خسران نخواهد داشت.

**در خطبهٔ ۴۵؛** امام(ع) در فراز امید به رحمت الهی؛ ستایش پروردگار را یک ضرورت و روش برخورد با دنیا مهم توصیف نموده‌اند. در این خطبه، اشاره به رحمت بی‌پایان حضرت حق تعالی و عدم ناامیدی نسبت به درگاه او در برابر فضل بی‌منتهای او؛ دنیا را وطن موقتی و آخرت را وطن دائمی دانسته‌اند به طوری که کوچ کردن از وطن (دنیا) را امر حتمی می‌دانند و انسان را به سعی در جمع‌آوری بهترین زاد و توشه برای آخرت نصیحت نموده‌اند. هم‌چنین **در خطبهٔ ۵۲؛** امام علی(ع) به یک تعریف مهم از دنیا اکتفا نموده‌اند: «ای بندگان خدا! از سرایی کوچ کنید که سرانجام آن نابودی است، مبادا آرزوها بر شما چیره گردد، میندازید که عمر طولانی خواهید داشت».

در خصوص حفظ **روح امیدواری** در حکمت ۶۵ آن حضرت فرموده‌اند: «اگر به آن چه که می‌خواستی نرسیدی، از آن چه هستی نگران مباش»؛ یعنی امید به درگاه حضرت حق و عدم ناامیدی به درگاه او. در ادامه این حکمت می‌توان در خطبهٔ ۱۸۲؛ به امید به درگاه حق پرداخته است؛ آن حضرت راه‌های خداشناسی را توصیه نموده‌اند که واقعاً در درک آن انسان حیران می‌ماند. در محتوای این خطبه، تأکید شده است که خداوند به همه چیز آگاه است و فراوانی عطا و بخشش از دارایی او هیچ‌وقت نخواهد کاست. بنا بر خطبه‌ها و حکمت‌های بالا در نهج‌البلاغه در خصوص امید و امیدواری، باید گفت که امید از نظر اسنایدر، انتظار مثبت برای دست‌یابی به اهداف تعریف‌شده است، انتظار مثبت نیز دارای دو مؤلفه «عامل ۱» و «گذرگاه ۲» است. در حقیقت، در نظریهٔ امید اسنایدر، سه مؤلفه وجود دارد: تفکر هدف (هر چیزی که خود فرد مایل است بدان دست یابد یا تجربه یا ایجاد کند)، تفکر عامل (یک مؤلفه انگیزشی برای به حرکت در آوردن فرد، در مسیر راه‌های در نظر گرفته‌شده برای دست‌یابی هدف) و تفکر گذرگاه (توانایی ادراک‌شده فرد برای شناسایی و ایجاد مسیرهایی به سمت هدف). این سه مؤلفه بر یکدیگر اثر متقابل دارند. تعیین اهداف مهم، منجر به افزایش انگیزه می‌شود و این انگیزه برانگیخته‌شده، به نوبهٔ خود ممکن است به یافتن گذرگاه کمک کند (پرچم و محققیان، ۱۳۹۰: ۱۰۱)؛ بنابراین تقسیم‌بندی از

منظر نهج‌البلاغه نیز، مؤلفه‌های امید عبارتند از: الف) تفکر هدف: خدامحوری و خلیفه الهی بودن انسان که سایر اهداف (دنیوی)، باید در ارتباط با این هدف اساسی شکل گیرد. ب) تفکر عامل: انگیزه یا انرژی روانی لازم برای تعقیب هدف، ایمان و افزایش روح معنوی در سایه امید به خدا است. ج) تفکر گذرگاه: مجموع تلاش‌های آدمی برای نیل به اهداف دنیوی و اخروی خویش؛ البته با فرض رعایت تقوا و اخلاص در انجام امور و به‌طور کلی، انجام کلیه کارهایی که موجب خشنودی خدا و پیامبرش می‌شود.

با این وصف باید گفت که اهمیت امید در زندگی انسان چنان است که قرآن کریم در آیات متعدد (آیات ۷-۸ سوره یونس؛ آیه ۱۸۶ سوره بقره؛ آیه ۸۷ سوره یوسف) به طرح امید برای انسان می‌پردازد. از این آیات، می‌توان استنباط کرد که روحیه شخص با «امید رسیدن به هدف» تقویت می‌شود. در برابر سختی‌ها واکنش مثبت از خود نشان می‌دهد (بهاری، ۱۳۹۰: ۱۲۸)؛ بنابراین، اگر مؤلفه امید و امیدواری را یک حالت انگیزشی مثبت و مبتنی بر احساس تعاملی ناشی از موفقیت با توجه به نظریه سرمایه روان‌شناختی لوتانز قلمداد کنیم باید بپذیریم که به لحاظ هدف، این دو کلمه با آنچه از کلام آن حضرت آشکار است کاملاً متفاوت است و به لحاظ مفهومی تمایز دارد با آنچه که در نهج‌البلاغه آمده است. در نهج‌البلاغه، امید و امیدواری به غیر خدا منسوخ و کاری عبث دیده شده است؛ اما در نظریه لوتانز این بُعد از سرمایه روان‌شناختی یک حالت انگیزشی مثبت و مبتنی بر احساس تعاملی ناشی از موفقیت آمده است که به جهت ایمان به درگاه خدا (خداباوری) تأکیدی نشده است. در جهت توسعه این مفهوم هم باید گفت که کلمه امید به معنای زیادی در نهج‌البلاغه ذکر شده است و اهمیت ویژه‌ای به این مفهوم بخشیده است که در سه ساحت شناختی، عاطفی و حرکتی می‌توان بدان معنایی بسیط قائل شد که در نظریه موجود به لحاظ معنایی به دلایل آنچه که در نتیجه خودکارآمدی نیز ذکر شد (عدم خداباوری و تقوای الهی)، متفاوت است.

### ۲-۲-۳. خوش‌بینی

خوش‌بین کسی است که در انتظار یک رویداد مثبت و مطلوب در آینده است درحالی‌که فرد بدبین کسی است که دایم افکار منفی دارد و از حوادث نامطلوب در آینده صحبت می‌کند. معنا و مفهوم خوش‌بینی در سرمایه روان‌شناختی گسترده‌تر از آن چیزی است که به‌طور عام به خوش‌بینی اطلاق می‌شود. این مهم احتیاج به تمرین و تعمق دارد تا به عنوان یکی از ظرفیت‌های روان‌شناختی بتواند به شما کمک کند تا عمیق‌تر به آینده مطلوب خود فکر کنید (زارعی متین، ۱۳۹۳: ۴۹۸). پژوهشگران، در قرن بیستم، مطالعه درباره خوش‌بینی را، به عنوان یک سازه روان‌شناختی، آغاز کردند (بهاری، ۱۳۹۰: ۱۷). بر طبق دیدگاه سلیگمن، افراد خوش‌بین رویدادها یا تجربه‌های منفی را با نسبت دادن علت آن‌ها به عوامل بیرونی، گذرا و خاص مانند اوضاع و احوال حاکم تبیین می‌کنند (کاترون، ۲۰۰۲؛ به نقل از خادمی و عابدی، ۱۳۹۳: ۱۱). در منابع اسلامی خوش‌بینی را می‌توان از سه مفهوم در آموزه‌های اسلامی استخراج کرد: «حسن ظن در برابر سوءظن»، «حمل فعل بر صحت»، «دیدگاه کلی مسلمانان در مورد جهان و زندگی» (صادقی

نیروی و الهیاری نژاد، ۱۳۹۲: ۶۴). آن چه که با مفهوم خوش بینی در سرمایه روان شناختی است به دید کلی در مورد جهان و زندگی اشاره دارد و به گفته مکارم شیرازی<sup>۱</sup> «حسن ظن» و «حمل فعل بر صحت» از مصادیق خوش بینی به شمار می آیند نه معادل آن (همان). هم چنین باید گفت که بر اساس آموزه های نهج البلاغه خوش بینی از سه مؤلفه تشکیل شده است که صادقی نیروی و الهیاری نژاد (۱۳۹۲) و نوری (۱۳۸۷) نیز بر این تقسیم بندی اذعان داشته اند: الف) توجه انتخابی؛ ب) تفسیر منطقی و ج) انتظار مثبت. بر اساس این تقسیم بندی، باید گفت خوش بینی از دیدگاه منابع اسلامی شکل گسترده تری از آنچه محققان قرن بیستم در سرمایه روان شناختی آورده اند دلالت دارد، چراکه انسان و رفتار وی در حال و آینده چنان دیده خواهد شد که مسیر انسان را در زندگی نمایان می سازد. زمانی که در «توجه انتخابی» که شامل توجه مثبت به ویژگی های خداوند، زیبایی های جهان، ویژگی ها و رفتار مثبت افراد، افکار و گفتار مثبت، امکانات و نعمت های خداوند، نقاط مثبت خود و توجه بیشتر به نتایج کارها تا مشکلات آن است؛ و در «تفسیر منطقی»، به: امتحان دانستن سختی ها و مشکلات، موقتی دانستن رویدادهای مثبت و منفی، نقش خدا، خود و دیگران در وقوع رویدادها اشاره دارد پس گستره عظیمی برای انسان به ودیعه گذاشته می شود. هم چنین در «انتظار مثبت» که نشان می دهد فرد خوش بین، به انتظار کمک از خداوند، انتظار وقوع رویدادهای خوشایند و انتظار عملکرد درست از سوی دیگران باور دارد و می توان اذعان نمود که خوش بینی را خداوند متعال در وجود انسان نهاده است؛ یعنی ذات انسانی به روح خوش بین بودن ملبس گردیده است نه بدبینی؛ اما آن چه که در منابع اسلامی بدان اشاره زیادی شده است احتیاط شرط عقل است و نباید بیش از حد نیز نسبت به مسائلی که در اطراف انسان می گذرد خوش بین بود. در کل، بر اساس نظریات می توان گفت که دو نوع خوش بینی وجود دارد که یکی از آن ها نظریه خوش بینی آموخته شده مارتین سلیگمن<sup>۲</sup> است و دیگری خوش بینی مادرزادی که توسط شیبر و کارور<sup>۳</sup> مطرح شده است. سلیگمن نشان داده است که خوش بینی آموخته شده، توانمندی های انسان را شکوفا می سازد (سلیگمن، رشید و پارکز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶: ۷۷۵). شیبر و کارور، نیز خوش بینی را سبک شخصیتی دانسته که از سرشت انسان سرچشمه می گیرد و آن ها عقیده دارند اگر فرد براساس ارزیابی های خود انتظار داشته باشد که رفتارش به موفقیت منجر شود آن رفتار را بروز خواهد داد (شیبر، کارور، میلر و فولورد<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹: ۳۰۴)؛ بنابراین، مطابق منابع اسلامی، گرچه خوش بینی در وجود انسان به ودیعه نهاده شده است، اما خوش بین-

۱. مفهوم حسن ظن به طور کلی در سه مورد بکار رفته است: حسن ظن نسبت به خداوند، حسن ظن نسبت به مردم و حسن ظن نسبت به برادر مسلمان؛ و مفهوم حمل بر صحت نیز سه معنا دارد: معنای شناختی، عاطفی، رفتاری. معنای اول اعتقاد قلبی و واقعی به درست بودن رفتار و گفتار دیگران است و معنای دوم، ترتیب آثار نیک در مورد انجام دهنده رفتار است و معنای سوم نیز ترتیب اثر به کاری است که فرد انجام داده است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱).

2. Seligman
3. Carver & Scheier
4. Rashid & Parks
5. Miller & Fulford

بودن زیاد گاهی مسأله آفرین می‌شود؛ چراکه در هنگام خوش‌بینی بیش‌از حد در صورت بروز مشکلات زندگی، مسائل نادیده گرفته‌شده و اقدام برای حل آن نمی‌شود. پس سطح بهینه خوش‌بینی، یکی از مسائل مهم ارتباط بین خوش‌بینی و واقعیت است که نباید از آن غافل شد که این سطح بهینه در توجه انتخابی انسان نسبت به ابعاد مختلف زندگی؛ تفسیر منطقی از سختی‌ها و مشکلات زندگی؛ و انتظار مثبت از مطلوبیت کارها که خداوند یاری‌گر انسان است (توکل بر خدا) می‌تواند به خوبی محقق شود.

## ۲-۲-۴. تاب‌آوری

واژه تاب‌آوری را می‌توان به صورت توانایی بیرون آمدن از شرایط سخت یا تعدیل آن تعریف نمود. در واقع، تاب‌آوری ظرفیت افراد برای سالم‌ماندن و مقاومت و تحمل در شرایط سخت و پرخطر است که فرد نه تنها بر آن شرایط دشوار فائق می‌شود بلکه طی آن و با وجود آن قوی‌تر نیز می‌گردد (توقید و فریدریکسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۳۳۳). تاب‌آوری در اصطلاح چنین تعریف می‌شود:

«نوعی حالت قابل توسعه در فرد که بر اساس آن قادر است در رویارویی با ناکامی‌ها، مصیبت‌ها و تعارض‌های زندگی و حتی رویدادهای مثبت، پیشرفت‌ها و مسؤولیت بیشتر به تلاش افزون‌تر ادامه دهد و برای دستیابی به موفقیت بیشتر، از پای ننشیند» (لوتانز، واگلیسنگ و لستر، ۲۰۰۶: ۲۷).

بنا بر تعاریف فوق، تاب‌آوری در سرمایه روان‌شناختی، حوادث ناگوار و موانع را هم به عنوان یک عامل تهدیدکننده و هم به عنوان یک فرصت چالش‌برانگیز برای رشد موفقیت فراتر از حالت عادی در نظر می‌گیرد (زارعی‌متین، ۱۳۹۳: ۵۰۲).

از این‌رو، به نظر بسیاری از محققان، تاب‌آوری یکی از مهم‌ترین موضوعات برای رسیدن به پایداری است. امروزه، تاب‌آوری راهی برای تقویت جوامع با استفاده از ظرفیت‌های آن‌ها مطرح می‌شود و تعریف‌ها، رویکردها، شاخص‌ها و مدل‌های سنجشی متفاوتی در مورد آن شکل گرفته است. این بُعد از سرمایه روان‌شناختی با واژه‌هایی چون؛ انعطاف‌پذیری، بردباری و تحمل سختی‌ها در ادبیات پژوهشی آمده است، اما آن چه در نهج‌البلاغه به عنوان هم‌پوش در نظر گرفته شد، تحمل سختی و بردباری (سعه صدر) است که در این جا جا دارد به آن پرداخته شود.

در خطبه ۱۹۳، امام علی(ع) انسان‌های تاب‌آور و متحمل سختی را در قالب نشانه‌های پرهیزکاران توصیف نموده‌اند: در دینداری نیرومند، نرم‌خو و دوراندیش است، دارای ایمانی پر از یقین، حریص در کسب دانش، با داشتن علم بردبار، در توانگری میانه‌رو، در عبادت فروتن، در تهیدستی آراسته، در سختی‌ها بردبار، در جست و جوی کسب حلال، در راه هدایت شادمان و پرهیزکننده از طمع‌ورزی، می‌باشد.

در حکمت ۱۷۶، بردباری و تحمل سختی‌ها، ابزار ریاست است که در این جا، به عنوان ارزش قدرت تحمل معرفی شده است. در حکمت ۲۹۱ نیز، برای تحمل و صبر در برابر ناگواری و مصیبت‌ها، پاداشی در

نظر گرفته شده است. در حکمت ۴۱۷ و ۴ به تحمل مشکلات عبادت در قالب صبر انسان پرداخته شده است، به طوری که در حکمت ۴، اشاره‌ای بر مبنای ارزش‌های اخلاقی و ضد ارزش‌ها؛ ناتوانی را آفت، شکیبایی را شجاعت و زهد را ثروت دانسته است؛ و در حکمت ۴۱۷، شرایط توبه و استغفار آمده است که نشان از تحمل سختی‌ها و مرارت‌های نتیجه‌بخش است؛ اما بنابراین که تاب‌آوری چه لزومی دارد باید گفت امام علی(ع) سخنانی را در قالب نامه‌ها و حکمت‌ها آورده است که در خور توجه و تأمل بیشتر است. آن حضرت در نامه ۳۱ خطاب به فرزندش امام حسن(ع) توصیه‌هایی در خصوص انسان و حوادث روزگار، مراحل خودسازی، اخلاق اجتماعی، ضرورت توجه به معنویات، ضرورت آخرت‌گرایی، تلاش در جمع‌آوری زاد و توشه، ضرورت واقع‌نگری در زندگی نمودند که انسان‌ها را با ضرورت‌های تحمل سختی در دنیا به آرامش ابدی وعده داده است. در حکمت ۲۵۱، نیز آن حضرت می‌فرماید: تلخ کامی دنیا، شیرینی آخرت و شیرینی دنیای حرام، تلخی آخرت است. هم‌چنین در حکمت ۲۱۳، برای تحمل مشکلات و خشنودی در قالب نکات اخلاقی، تربیتی چنین می‌فرماید: چشم از سختی خوار و خاشاک و رنج‌ها فرو بندد تا همواره خشنود باشی.

باید گفت که تاب‌آوری در نظریه سرمایه روان‌شناختی، مفهومی به لحاظ تداعی و تمرین یک تکنیک روانشناسی است و آن چه به لحاظ کلمه‌ای شاید تفاوت و تمایزی در معادل آن‌ها نباشد اما در بیان مفهوم در عمق فلسفی باهم تفاوت زیادی دارند. در جهت توسعه این مفهوم در آیات قرآن کریم، احادیث اسلامی رهنمودهای بسیاری وجود دارند که لازمه پژوهش جداگانه است.

## ۲-۲-۵. مؤلفه معنویت<sup>۱</sup> محور سرمایه روان‌شناختی

مفهوم معنویت نظیر بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات معنوی برخلاف امور مادی به راحتی قابل تعریف نیست و اندیشمندان در تعریف آن اتفاق نظر ندارند (فرای<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳: ۷۰۲) و نمی‌توان مرزهای آن را دقیق و منطقی ترسیم نمود، چون محدود نیستند و قابل تحدید نمی‌باشند. بزرگان عرصه اخلاق در آثار سازنده خویش برخی از مصادیق معنویت و فضائل اخلاقی را مورد بحث و تفسیر قرار می‌دهند و در تبیین آنها از قرآن و سنت و آموزه‌های دینی استفاده می‌کنند.

آنچه مسلم است این است که معنویت یکی از ارزش‌های غیرمادی است که در عالم طبیعت اختصاص به انسان دارد و شخصیت اصلی انسان را تشکیل می‌دهد و سعادت و کمال واقعی نیز به آن وابسته است (گیجسل، سلیگر، لایث ود و جانتزی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳: ۲۲۹). از نظر تاریخی و تطبیقی فقط می‌توان از کثرت معنویت سخن گفت. معنویت‌های گوناگون و مکاتب معنویت بسیاری می‌توان یافت که تعبیر فرهنگی خاصی را از آرمان‌های دینی سنت‌های گوناگون نشان می‌دهند. در واقع، تقریباً از نیمه دوم قرن در اروپا و در غرب به‌طور کلی اعم از اروپای باختر و آمریکا و کانادا بحثی تحت عنوان معنویت مطرح شد

1. spirituality  
2. Fry  
3. Geijssel, Slegers, Leithwood & Jantzi

و گفته شد که همه نظام‌های اجتماعی در چیزی تحت عنوان معنویت مشترک هستند و با اینکه به ادیان و مذاهب مختلف تعلق خاطر دارند در معنویت اشتراک دارند (فرای و ماترلی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۱۶)؛ اما برخلاف موارد بالا، در متون دینی مسلمانان معنویت را باید دریافت کرد و مقامی بالاتر از ادراک و شناخت حسی و عقلی است، امور و حقایق معنوی مثل ایمان، معنویت، عرفان، غیب و ... را نمی‌توان در قالب الفاظ آورد، این‌ها کمالات روح هستند و روح، دائم در حال تکامل و یا تزلزل است؛ بنابراین معنویات یافتنی هستند نه دانستنی، امور معنوی حقایقی هستند برتر از آن چیزی که انسان شنیده یا فکر کرده است. منظور از معنویت در متون اسلامی، یعنی برخورداری از ارزش‌های والای انسانی که در این‌جا به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌گردد: ایمان به خدا، تقوی، صبر و تحمل، عشق و محبت، احترام به دیگران، اعتماد به نفس، امید به آینده، پذیرش دیگران، تواضع، توکل، جوانمردی، خدمت، خیرخواهی، رضایت، سپاسگزاری، شجاعت، صداقت، فداکاری و گذشت، وفای به عهد (بهادری‌نژاد، ۱۳۸۳: ۳۳؛ باقری و سعدآبادی، ۱۳۹۰: ۵۹). رسیدن به اعتماد به نفس در حد عالی که توان ایستادگی در برابر امواج سهمگین مشکلات را در انسان افزایش دهد، در گرو تکیه بر عنصر ایمان و توکل به خداوند است. در سایه توکل و ایمان عمیق مذهبی، انسان احساس می‌کند که دیگر تنها نیست، بلکه همیشه خدا را در کنار خود می‌بیند، بر این اساس امام علی(ع) درباره مؤمن می‌فرماید: «روح شخص با ایمان از سنگ خارا شکست‌ناپذیرتر است» (ترجمه نهج‌البلاغه، قصار، ۳۲۵). در نهج‌البلاغه در محتوای هر خطبه، نامه و یا حکمت‌ها، معنویتی استوار است و دین اسلام تماماً بر مبنای معنویت استوار بوده است؛ اگرچه، همه معارف بشری را می‌توان در لابه‌لای آیات الهی جستجو کرد، اما باید گفت محور تمامی بحث‌ها در معارف اسلامی از جمله نهج-البلاغه با معنویت شروع می‌شود و هر یک از ابعاد سرمایه روان‌شناختی سوای آنچه که از نظریه برآمد، با مفهوم معنویت آن‌هم نه هر معنویتی با معنویتی که اسلام بر آن حرف دارد عجین شده است. وقتی از خودکارآمدی، تاب‌آوری، خوش‌بینی و امید تحت سازه‌های چون سرمایه روان‌شناختی بحث می‌گردد باید گفت که تحت معنویت وجودی افراد است که می‌توان خودکارآمد شد یا امید به آینده بشریت و خوش‌بین به آن بود که در سایه تاب‌آوری این عوامل قوت بیشتر می‌گیرند.

جدول ۱: خلاصه رهنمودهای حضرت علی(ع) پس از واکاوی سرمایه روان شناختی

ابعاد سرمایه روان شناختی	مفاهیم همپوش (برابر نهاد)	شواهد	رهنمودها
خودکارآمدی	ایمان (باور) بر توانایی خود، خودباروری و اعتماد به نفس	خطبه‌های ۱۱۰، ۱۸۹، ۳۵، ۱۷۶ و حکمت‌های ۳۱، ۲۲۷	شناخت پایه‌های آن: صبر، یقین، عدل و جهاد؛ ایمان به خدا محور و اساس تمامی ابعاد است.
امید و امیدواری	نوعی حالت نفسانی و دل بستگی و تعلق خاطر که انتظار وجود آن‌ها هست.	خطبه‌های ۴۵، ۵۲، ۱۸۲ و حکمت ۶۵، بیش از ۵۰ سخن از غرر الحکم	یک مقوله سه جزئی شناختی، عاطفی و حرکتی است. امید به تناسب امید به خداوند بیشتر معرفی شده و هر امیدی به غیر او، ناپسند و بی‌ارزش جلوه داده شده است.
خوش بینی	حسن ظن نسبت به خداوند، حسن ظن نسبت به مردم و حسن ظن نسبت به برادر مسلمان؛ و مفهوم حمل بر صحت نیز سه معنا دارد: معنای شناختی، عاطفی، رفتاری.	خطبه‌های ۱۲۸۳، ۹۹، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۸۵، ۱۹۲، ۱۳۴؛ نامه-۱، ۵۳ و حکمت‌های ۱۱۴، ۳۶۰، ۳۳۳، ۲۹۱	توجه مثبت به ویژگی‌های خداوند و ...؛ امتحان دانستن سختی‌ها و مشکلات، نقش خدا، خود و دیگران در وقوع رویدادها؛ و همچنین انتظار مثبت از خداوند متعال
تاب‌آوری	انعطاف‌پذیری، صبر و بردباری و تحمل سختی‌ها و سعه صدر	خطبه ۱۹۳؛ حکمت‌های ۱۷۶، ۲۱۳، ۲۵۱، ۲۹۱، ۴۱۷، ۴، نامه ۳۱	انسان‌های تاب‌آور و متحمل سختی در قالب نشانه‌های افراد پرهیزکار توصیف شده است.
معنویت	معنویت الهی در سایه خداواری (تقوا)	سرتاسر نهج البلاغه بر مبنای تقوا نهاده شده است.	معنویت غیرالهی مضموم شناخته شده است؛ اهتمام و رعایت تقوا درباره همه مراتبی که روان شناختی فرض شدند، موضوعیت دارد و بر جنبه‌های مختلفی از حیات انسان اثرگذار می‌باشد.

در جدول ۱، خلاصه رهنمودهای آن حضرت آمده است.

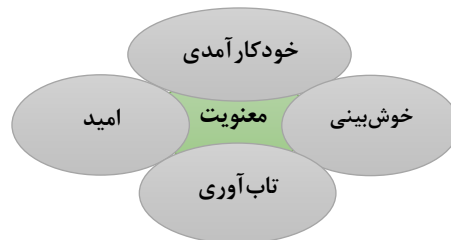
### ۳. جمع‌بندی و ترسیم مدل رهیافتی جهت توسعه بومی نظریه سرمایه روان شناختی

در این بررسی، پس از واکاوی عمیق نظریه سرمایه روان شناختی لوتانز، می‌توان گفت این نظریه در برخی موارد به لحاظ معادل کلمه‌ای تطابق دارد، اما به‌طور اساسی از لحاظ گستره مفهومی و ریشه فلسفی تمایز اساسی با نظریه فوق دارد که در جدول ۲، خلاصه آن ترسیم شده است؛ و در شکل ۱، ارتباط این چهار مؤلفه‌ها با یکدیگر تحت محوریت معنویت آمده است که نشان از اهمیت معنویت (ایمان و تقوا) در نهج البلاغه دارد که ریشه فلسفی با توجه به این مؤلفه افزوده شده که استحکام بومی این نظریه را توسعه می‌بخشد. در تمامی ابعاد، ریشه فلسفی تحت معنویت اسلامی دیده شده است.

جدول ۲: مقایسه ابعاد "سرمایه روان‌شناختی" بر اساس دیدگاه امام علی(ع)

ابعاد	تطابق‌ها	تمايزها
خودباوری و خودکارآمدی	هر دو (نظریه لوتانز و نهج‌البلاغه) بر ایمان (باور) فرد درباره توانایی‌هایش اتفاق نظر دارند. به لحاظ معادل‌سازی، این سازه با خودباوری و اعتماد به نفس نیز مطابقت دارد. بنابراین، به لحاظ اینکه عین کلمه در نهج‌البلاغه مشاهده نگردید به لحاظ مفهومی همان کلمه با کلمات جایگزین مطابقت داده شد تا معنای مفهومی آن نیز حفظ گردد.	نظریه لوتانز بر مبنای روانشناسی تجربی، گذشته فرد را در تحکیم این امر دخیل می‌داند، اما نهج‌البلاغه علاوه بر گذشته فرد، معنویت اصیل و درونی را دخیل در اعتماد به نفس می‌داند. در نظریه این مفهوم با خودشناسی منافات دارد به طوری که در نهج‌البلاغه لازمه ایمان به انجام دادن کارها و توانایی انجام کارها، خودشناسی ذکر شده است.
امیدواری و امید	به لحاظ کلمه امید و امیدواری در هر دو دیدگاه باهم مطابقت داشتند تا جایی که حتی از دیدگاه نهج‌البلاغه این کلمه در قالب کلماتی دیگر وسیع‌تر توصیف شده است و از این مفهوم به آرزو و آرزومندی نیز تعبیر شده است.	در نظریه لوتانز، امید یک حالت انگیزشی در رسیدن به موفقیت دیده شده است در حالی که امید و امیدواری در نهج‌البلاغه، به درگاه حضرت حق ارزشمند محسوب شده است و هر امیدی به غیر خدا بدون ارزش و حتی کفر تلقی می‌گردد.
مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی	مفهوم خوش‌بینی در برابر بدبینی به همان مفهوم در نهج‌البلاغه هم ذکر شده است، اما این مفهوم در نهج‌البلاغه با مفهومی دیگر و وسیع‌تر نیز آمده است.	این مفهوم در نظریه یک انتظار کلی ترسیم شده است و گستره‌ای چون نسبت دادن هر چیزی به منابع بیرونی (نظریه اسناد) دیده شده است، اما در نهج‌البلاغه گستره‌ای بس عظیم دارد که در کل می‌توان گفت به تفسیر انسان‌ها از دین در خصوص خوش‌بینی بستگی دارد و هر خوش‌بینی جایگاهی در نهج‌البلاغه ندارد.
تحمل‌سختی و تاب‌آوری	مفهوم تاب‌آوری به مثابه دیگر ابعاد، یک تکنیک روان‌شناختی مثبت‌گرا در نظریه آمده و به لحاظ مفهومی با آنچه در نهج‌البلاغه به عنوان تحمل سختی آمده است مطابقت دارد اما باز این مفهوم معنای گسترده‌تر نسبت به مفهوم روان‌شناختی آن دارد.	این مفهوم در نظریه یک حالت چالشی در برابر سختی‌ها با باور به موفقیت در پی دارد، اما تاب‌آوری در نهج‌البلاغه با ویژگی‌های پرهیزکاران ذکر شده و تنها یک تکنیک روان‌شناختی نیست بلکه نتیجه‌ای با پاداش الهی دارد که افراد موحد بیشتر به آن اعتقاد دارند.





نمودار ۱: مدل مفهومی ترسیم شده بر اساس رهیافت اسلامی

بر اساس نمودار ۱ که معنویت محور تمامی ابعاد سرمایه روان‌شناختی ترسیم شده است باید اذعان نمود که این بُعد محوری معنویت که در سابقه پژوهشی دیگران با معنویت اسلامی متفاوت دیده شده است. در اینجا، معنویت معادل خداپاوری و تقوا دیده شده است؛ و هیچ‌یک از ابعاد در این مدل نهایی جداگانه نیستند، بلکه همه این ابعاد سازه‌ای را تشکیل می‌دهند که محور آن تقواست. امام علی(ع)، تقوا را به عنوان نیروی معنوی که بر اثر ممارست و تمرین پدید می‌آید و آثار روحی و روانی در انسان می‌گذارد، معرفی کرده است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

باید گفت که نهج‌البلاغه منبعی گهربار برای دستیابی به روش‌های مطمئن در شناخت مسائل جامعه و ارائه راه‌حل‌ها برای حل آن؛ به ویژه مسائل مدیریت منابع انسانی در سازمان‌ها بوده است. این پژوهش، با هدف واکاوی مفهوم سرمایه روان‌شناختی که یکی از سازه‌های مهم رفتار سازمانی مثبت‌گرا است بر پایه کلام امیرمؤمنان حضرت علی(ع) انجام شده است. مطابق تئوری لوتانز، باید گفت که ابعاد سرمایه روان‌شناختی با یکدیگر هم‌بستگی بالایی بر اساس برخی از پژوهش‌ها (بهدادی خسروشاهی، هاشمی نصرت‌آباد و باباپور خیرالدین، ۱۳۹۱: ۱۵۴؛ اسماعیلی شاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۳-۲؛ سیمار اصل و فیاضی، ۱۳۸۷: ۴۵؛ لوتانز و همکاران، ۲۰۰۴، ۲۰۰۶، ۲۰۱۰؛ هودج، ۲۰۱۰: ۷) داشته است و تشکیل یک سازه سطح بالا را دارد (لوتانز و همکاران، ۲۰۱۰: ۴۱)؛ اما محقق این مفهوم را به لحاظ شرایط بومی- فرهنگی کشور مورد بررسی قرار داده تا خلأ موجود به لحاظ مفروضات دینی پر شود. برای همین، نهج‌البلاغه و سخنان گهربار امام علی(ع) به عنوان راه مطمئن در واکاوی و بازتولید این تئوری توسط محققان انتخاب شد؛ بنابراین اهداف، نتایج پژوهش نشان داد علی‌رغم وجود انطباق برخی از ابعاد سرمایه روان‌شناختی (به لحاظ برابر نهاد/ همپوشی کلمه‌ای) با نهج‌البلاغه، در بیشتر موارد تمایز اساسی داشته است.

خودکارآمدی که از تاب‌آوری بر مبنای امید و خوش‌بینی حاصل می‌گردد، بر پایه معنویات وجودی اسلام (تقوا) پرمعنا شده و افراد را به قرب الی‌الله در برابر مشکلات تشویق می‌کند که در مدل غربی آن چنین ترسیمی دیده نشده و بیشتر بر مبنای رفتار سازمانی مثبت‌گرا، پایه روان‌شناختی دارد. انسان‌های با

تقوا؛ پر امید و دارای هدف الهی، قدرت اراده محکم (تاب‌آور) معمولاً موانع را با توجه به خودکارآمدی که بر اثر تجربیات معنوی کسب کرده باشند، تشخیص داده و موفقیت لازم را با انتظارات خوش‌بینانه کسب خواهند نمود. چراکه در سخنان گهربار آن حضرت علی(ع) آمده است که می‌فرمایند: از کسانی مباش که بدون عمل، امید به آینده داشته باشی! بنابراین، در سایه ایمان و خداآوری است که انسان به توانایی‌های خویش باور (خودکارآمد)، به آینده امیدوار (همخوان با هدف) و خوش‌بین و در برابر ناملايمات تاب‌آور خواهد بود.

## منابع

- قرآن حکیم (شرح آیات منتخب) (۱۳۸۸). ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی. چاپ اول، قم: انتشارات تابان.
- اسماعیلی‌شاد، بهرنگ؛ نیازآذری، کیومرث؛ صالحی، محمد و عنایتی، ترانه. (۱۳۹۲). «بررسی مؤلفه‌های سرمایه‌روان‌شناختی با رویکرد معنوی از نظر اعضای هیئت‌علمی جهت استقرار دانشگاه اسلامی». فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی. دوره ۲، شماره ۱، ۲۰-۳.
- اسنایدر، سی‌آر و لوپز، شین. ج. (۱۳۹۰). معنویت و روان‌شناسی مثبت. ترجمه و تلخیص مهرداد کلانتری، سیده راضیه طبائیان، الهام آقائی و پریناز سجادیان. چاپ اول، تهران: انتشارات کنکاش.
- انصاری‌قمی، مهدی (۱۳۸۶). سخن مولای متقیان (ترجمه غررالحکم). چاپ دوم، تهران: نشر لوح محفوظ.
- باقری، مصباح‌الهدی و سعدآبادی، حسن. (۱۳۹۰). «طراحی الگوی رهبری معنوی بر اساس ارزش‌های اسلامی: پژوهشی مبتنی بر راهبرد داده‌بنیاد با تأکید بر ویژگی‌های فرمانده شهید سرلشکر پاسدار احمد کاظمی». مجله اندیشه مدیریت راهبردی. سال ۵، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰، ۱۲۲-۵۷.
- بهادری‌نژاد، مهدی. (۱۳۸۳). «مدیریت با تکیه بر معنویت». تدبیر. سال ۱۵، شماره ۱۴۳، ۴۰-۳۳.
- بهاری، فرشاد. (۱۳۹۰). مبانی امید و امید درمانی: راهنمای امیدآفرینی. چاپ اول، تهران: نشر دانژه.
- پرچم، اعظم و محققیان، زهرا. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی راه‌کارهای ایجاد و افزایش امید از دیدگاه روان‌شناسی مثبت‌نگر و قرآن کریم». مجله معرفت. سال ۲۰، شماره ۱۶۴، ۱۱۳-۹۹.
- حسنی، رمضانعلی؛ احمدی، محمدرضا و میردیری‌کوندی، رحیم. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین خوش‌بینی اسلامی، خوش‌بینی آموخته‌شده سلیگمن و امنیت روانی، روان‌شناسی و دین، سال ۴، شماره ۴، ۱۰۲-۷۵.
- خادمی، ملوک و عابدی، فاطمه. (۱۳۹۳). «اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر آموزه‌های دینی بر خوش‌بینی و سازگاری زناشویی». مطالعات روان‌شناختی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناختی دانشگاه الزهراء، دوره ۱۰، شماره ۳، ۲۸-۷.
- بهادری خسروشاهی، جعفر؛ هاشمی نصرت‌آباد، تورج و باباپور خیرالدین، جلیل. (۱۳۹۱). «رابطه سرمایه‌روان‌شناختی با سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه تبریز». مجله تخصصی پژوهش و سلامت (مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقای سلامت گناباد). دوره ۲، شماره ۱، ۱۵۳-۱۴۵.
- دانایی‌فرد، حسن؛ بنافی، مسعود و امامی، سید مجتبی. (۱۳۹۲). «واکاوی نقادانه مفهوم سرمایه‌روان‌شناختی: به سوی بسترسازی الگوی هنجاری بومی-اسلامی». فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۵۵، سال ۱۷، شماره ۲، ۲۳۴-۲۰۹.
- دشتی، محمد (۱۳۸۶). ترجمه نهج البلاغه. چاپ نهم. قم: انتشارات الهادی (مؤسسه الهادی).
- دهقانی‌رخ، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). امید در نهج البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم حدیث، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.

- لوتانز، فرد. (۱۳۹۱). **سرمایه روان‌شناختی**. ترجمه بهروز رضایی‌منش؛ علیرضا تقی‌زاده و مریم کاهه. تهران: نشر علمی.
- زارعی‌متین، حسن. (۱۳۹۳). **مدیریت رفتار سازمانی پیشرفته**. تهران: انتشارات آگه. چاپ یکم ویراست دوم.
- سیمااصل، نسترن و فیاضی، مرجان. (۱۳۸۷). «سرمایه روان‌شناختی؛ مبنایی نوین برای مزیت رقابتی». **تدبیر**. شماره ۲۰۰، ۴۴-۴۸.
- فیض‌الاسلام، علی‌نقی. (بی‌تا). **ترجمه و شرح نهج البلاغه [منبع الکترونیکی]**، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت (ع).
- قاسمی، افشان؛ عابدی، احمد و باغبان، ایران. (۱۳۸۸). «اثر بخشی آموزش گروهی مبتنی بر نظریه امید اسنایدر بر میزان شادکامی سالمندان». **دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی**. دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره ۴۱، ۴۰-۱۷.
- قاسمی، مرتضی؛ یزدان‌بخش، کامران و امیریان، طیبه. (۱۳۹۲). «عوامل ناامیدی و راهبردهای انگیزشی نهج‌البلاغه در درمان آن‌ها». **فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه**. سال اول، شماره ۱، ۶۲-۵۱.
- صادقی‌نیری، رقیه و الهیاری‌نژاد، مریم. (۱۳۹۲). «مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی در نهج‌البلاغه». **فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه**. سال اول، شماره ۱، ۷۴-۶۳.
- مکارم‌شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱). **القواعد الفقهیه**. چاپ سوم. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).
- نوری، نجیب‌الله. (۱۳۸۷). «الگوی نوین از مؤلفه‌های خوش‌بینی از منظر نهج‌البلاغه». **نشریه معرفت**. موسسه امام خمینی (ره)، شماره ۱۳۵.
- Avey, J. B.; Luthans, F. and Youssef, C. M. (2010). "The additive value of positive psychological capital in predicting work attitudes and behaviors". **Journal of Management**. 36 (2): 430-452.
- Bandura, A. (1977). "Self - efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change". **Psychological Review**. 84: 197-215.
- Bandura, A. (1997). "**Self-efficacy: The exercise of control**". New York W. H. Freeman.
- Carver, C. S.; Scheier, M. F.; Miller, C. J. and Fulford, D. (2009). "**Optimism. In C.R. Snyder & S. Lopez (Eds.)**". The Oxford Handbook of Positive Psychology, pp. 303-311. Oxford: Oxford University Press.
- Fry, L. W. (2003). "Toward a Theory of Spiritual Leadership". **The Leadership Quarterly**. 14(6): 693-728.
- Fry, L. W. and Matherly, L. L. (2006). **Spiritual Leadership and Organizational Performance: An Exploratory Study**. Tarleton State University – Central Texas.
- Geijsel, F.; Sleegers, P.; Leithwood, K. and Jantzi, D. (2003). "Transformational leadership effect on teachers Commitment and effort toward school reform". **Journal of Educational Administration**. 41(3): 228-256.

- Hodges, T. D. (2010). "An Experimental Study of the Impact of Psychological Capital on Performance, Engagement, and the Contagion Effect". **Dissertations and Theses from the College of Business Administration**. Paper 7.
- Ormrod, J. E. (2006). **Educational Psychology: Developing Learners**. 5th ed. Upper Saddle River, N.J.: Pearson.
- Levene, R. A. (2015). "Positive Psychology At Work: Psychological Capital and Thriving as Pathways to Employee Engagement". **Master of Applied Positive Psychology**. (MAPP) Capstone Projects, Paper 88. [http://repository.upenn.edu/mapp\\_capstone/88](http://repository.upenn.edu/mapp_capstone/88).
- Luthans, F. (2005). **Organizational Behavior**. New York: McGraw-Hill/Irwin.
- Lorenz, T.; Beer, C.; Pütz, J. and Heinitz, K. (2016). "Measuring Psychological Capital: Construction and Validation of the Compound PsyCap Scale (CPC-12)". **Public Library of Science**. 11(4): e0152892. doi:10.1371/ journal.pone.0152892.
- Luthans F.; Luthans, K.; Luthans, B. C. (2004). "Positive Psychological Capital: Going beyond human and social capital". **Business horizons**. 47 (1):45-50.
- Luthans, F.; Vogelgesang, G. R. and Lester, P. B. (2006). "Developing the Psychological Capital of Resiliency". **Human Resource Development Review**. 5(1): 25-44.
- Luthans, F.; Avey, J. B.; Avolio, B. and Peterson, S. (2010). "The development and resulting performance impact of positive psychological capital". **Human Resource Development Quarterly**. 21(1): 41-66.
- Luthans, F. and Youssef, C. M. (2004). "Human, social and now positive psychological capital management: Investing in people for competitive advantage". **Organisational Dynamics**. 33(2), 143-160.
- Seligman, M. E. P.; Rashid, T. and Parks, A. C. (2006). "Positive psychotherapy". **American Psychologist**. 61: 774-788.
- Snyder, C. R. (2002). "Hope Theory: Rainbows in the Mind". **Psychological Inquiry**. 13(4): 249-275.
- Tugade, M. M. and Fredrickson, B. L. (2004). "Resilient individuals use positive emotions to bounce back from negative emotional experiences". **Journal of Personality and Social Psychology**. 86: 320-333.
- Wilkinson, J. (2005). "Distribution: A war for talent". **Money Management**. 19(26): 20-23.